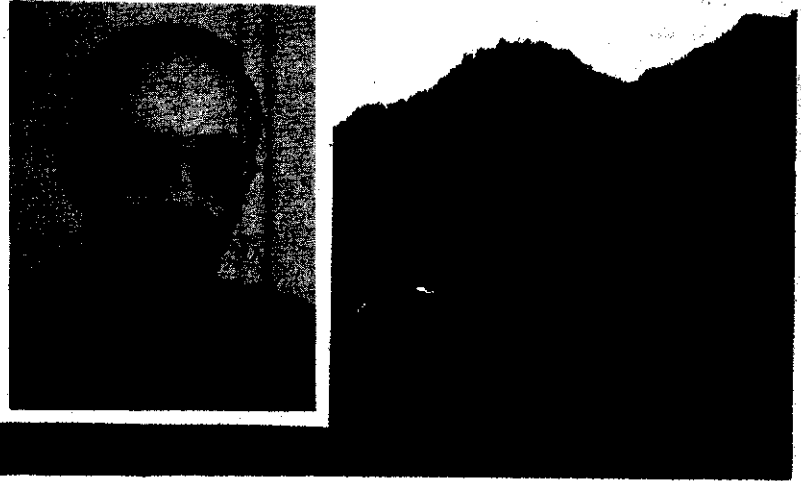


## اهمیت نیروی کار در اقتصاد و توسعه



دکتر حسن سبحانی، معاون پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، در گفتگو با خبرنگار ما می‌گوید:

**سؤال - آیا تقسیم‌بندی جامعی در مورد نیروی کار داریم؟**

**پاسخ:** در واقع نیروی کار بخشی از نیروی انسانی یا جمعیت است و به افرادی اطلاق می‌شود که در یک محدوده سنی معینی قرار دارند. اگر با این دید به موضوع نگاه کنیم، نمی‌توان گفت که تقسیم‌بندی جامعی برای نیروی کار وجود دارد، همین تقسیم‌بندی است، آن هم بصورت اعتباری و قراردادی و هر جامعه‌ای می‌تواند آن را به گونه‌ای تعریف کند. البته ما در بطن نیروی کار تقسیم‌بندیهای کوچکتر داریم، مانند نیروی کار شاغل و نیروی کار بیکار، ولی به عنوان طبقه‌بندی جامع وجود ندارد.

**سؤال - کدام گروه از نیروی کار در بلندمدت و کدام بیشتر در کوتاه‌مدت، نقش تعیین‌کننده در توسعه دارند؟**

**پاسخ:** البته چون نیروی کار را در واقع یک گروه بیشتر نمی‌بینیم، باید به این صورت فکر کنیم که نیروی کار طیفی است که در یک طرف این طیف افراد با تخصص‌های کم هستند و در

طرف دیگر افراد با تخصص‌های برجسته، بنابراین در اینجا راجع به طبقات مختلفی که روی این طیف قرار می‌گیرند، مطالبی را عرض می‌کنم. از نظر من در این طبقاتی که روی طیف نیروی کار هستند، همه کسانی که تخصص و دانش انجام کار خودشان را دارند، آنها از بهره‌وری بیشتری برخوردارند و چه در بلندمدت یا کوتاه مدت به توسعه بیشتر کمک می‌کنند. البته غیر از تخصص و دانش می‌شود از تجربه در حین کار هم که نیروی کار کسب می‌کند صحبت کرد. اما من حیث المجموع می‌شود گفت که نیروی متخصص به لحاظ علمی بهترین کمک را می‌تواند به توسعه کشور ارایه دهد، صرفنظر از دوره زمانی، و بطور کلی احساس من این است که غیر از تخصص و دانش، لازم است که نیروی کار به لحاظ فرهنگی، برخوردار از وجدان کار باشد، بدین معنی که خود را در سلسله مراتب کار دارای نقش ببیند و متوجه باشد که تلاش او در گوشه‌ای از کارخانه یا مزرعه در یک سلسله مراتب انجام فعالیتهاست. بنابراین عدم توجه او به کارش می‌تواند درجه تأثیرشان در کار توسعه

را کم کند. پس اگر این دو، یعنی وجدان کار و تخصص انجام کار برای هر یک از آحاد نیروی انسانی فراهم باشد، به نظر من آنها نقش خودشان را در توسعه به نحو بارز و خوبی ایفا خواهند کرد.

**سؤال - در جامعه کنونی و در شرایط فعلی کشور اهمیت نیروی کار تولیدی و صنعتی را چگونه می‌بینید و آینده نیروی کار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

**پاسخ:** بطور کلی، در جامعه ما تولید کاربر است تا سرمایه‌بر، بدین معنی که از هر یک واحد که تولید می‌شود، حدود ۷ دهم تا ۸ دهم درصد سهم نیروی کار است و حدود ۲ دهم الی ۳ دهم درصد سهم سرمایه، یعنی اینکه نیروی کار اعم از نیروی کار صنعتی یا غیرصنعتی، در تولید نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. علی‌رغم اهمیت این به دلایل مختلفی در کشور ما میزان سواد نیروی کار شاغل در بخش‌های مختلف چندان بالا نیست. درصد زیادی از کارگران دارای درجات پایینی از سواد هستند و همین مسأله کارآیی آنها را با مشکل مواجه کرده است. در واقع، آینده نیروی کار برمی‌گردد به برنامه‌ریزی دانشگاهها، دبیرستانهای حرفه‌ای، و مراکز فنی و حرفه‌ای وابسته به وزارت کار یا سایر وزارتخانه‌ها و سازمانهایی که برای کشور تکنیسین تربیت می‌کنند. هر قدر میزان اهتمام و عمق برنامه‌ریزی این مؤسسات برای تربیت تکنیسین، مهندس و نیروی کار ساده بیشتر باشد، به نظر می‌رسد که آینده نیروی کار را از نظر کیفی بیشتر تضمین کرده‌اند و من همیشه و در هر شرایطی احساس این است که روحیه تلاش، فرهنگ کار و اندیشه حقیر دانستن کارهایی که به تولید نمی‌انجامد، همواره می‌تواند از ویژگیهای ممتاز نیروی کار باشد.

**سؤال - آیا در حال حاضر رابطه‌ای بین بازار کار و بازار کالا وجود دارد؟**

**پاسخ:** بله، هم در حال حاضر و هم همیشه رابطه تنگاتنگ و مستقیمی بین بازار کار و بازار کالا وجود دارد، مگر اینکه ما به اقتصادی فکر کنیم که در آن اقتصاد، پول خیلی مطرح نباشد. در شرایط حاضر کسانی که در بازار کار هستند و نیروی کار خودشان را عرضه می‌کنند، در واقع تولیدکننده کالا هستند و آن کالا و خدمات در بازار کار ارایه می‌شود. برعکس، افرادی که تقاضا می‌کنند برای کار کردن، در حقیقت تقاضا می‌کنند برای تولید کردن، چون هر کس که کار دارد، تولید خواهد کرد، در نتیجه، ارتباط بین این دو همیشه



وجود داشته و به نظر من آآن هم وجود دارد. مگر اینکه سؤال شما ناظر بر این باشد که کسانی که کار یا خدمات غیرمفید یعنی غیرمولد انجام می دهند، آیا اینها چیزی را به بازار عرضه می کنند؟ پاسخ این است که کسانی که کارشان مولد نیست، اینها شاید کالا و خدمات کمتری را به بازار کار ارائه دهند، متها باید در مورد تخصص توجه داشت که مولد که عرض می کنم بدین معنا نیست که حتماً کالای ملموس تولید شود. بعنوان مثال، اینکه یک پلیس در سر چهار راه مردم را راهنمایی می کند که زودتر به محل خدمت و تولیدشان برسند، خدمت آن پلیس هم تولید خدمات است و او هم حتماً در بازار کار هست، چه بسا که اگر او خدمت نمی کرد و یا راننده ای تلاش نمی کرد که کارگران به بازار کار برسند، بازار کالا هم برخوردار از کالا نبود. بنابراین، بنظر می آید که این ارتباط همیشه وجود دارد.

● غیر از تخصص و دانش، لازم است که نیروی کار به لحاظ فرهنگی، برخوردار از وجدان کار باشد، بدین معنی که خود را در سلسله مراتب کار دارای نقش ببیند.

● بطور کلی، در جامعه ما تولید کاربرد است تا سرمایه بر، بدین معنی که از هر یک واحد که تولید می شود، حدود ۰/۷ تا ۰/۸ درصد سهم نیروی کار است و حدود ۰/۲ تا ۰/۳ درصد سهم سرمایه.

سؤال - با توجه به اینکه توسعه اقتصادی و اجتماعی به قوت مطرح است، مشاهده می گردد که افرادی که نقش سازنده ای ندارند یا نقش آنها قابل توجه نیست، بخش عمده ای از درآمدها را انباشته می کنند، درحالی که تورم، نیروی کار مولد کشور را تحت فشار قرار داده است، بنظر شما راه حل چیست؟  
پاسخ: من دقیقاً نمی دانم که منظور شما از اینکه تورم نیروی کار مولد را تحت فشار قرار داده است، یعنی چه. اگر منظور این باشد که

تورم نیروی کار مولد را که درآمد ثابت دارد و حق اقدام برای افزایش درآمد و یا اختیار افزایش درآمد خود را ندارد، تحت فشار قرار داده است، این عبارت صحیح تر است، زیرا درآمد افراد مولد به عواملی از جمله تلاش نیروی کار بستگی دارد و حق آنهاست، برای اینکه نرخ تورم را در ساختار مزدی خودشان اعمال کنند. اگر در جامعه ای کارگران یا به لحاظ قانونی و یا به شیوه های دیگر اختیار داشته باشند و بتوانند استدلال کنند که به اندازه تورم یا کمتر یا بیشتر از آن در دوره های معینی با کارفرما قرارداد می بندند. مزد خودشان را اضافه کنند، به نظر من، در دوران تورم نیز تحت فشار نخواهند بود، البته اگر این مقصود حاصل نشود بدیهی است که اینها هم تحت فشار هستند. اما در مورد کسانی که نقش سازندگی ندارند و در دوران تورمی منتفع می شوند، شاید این حرف درست باشد ولی ربطی به سازنده نبودن آنها ندارد. اصولاً در دوران تورم هرکس که درآمد غیر ثابت دارد، اعم از اینکه درآمدش طفیلی باشد یا مولد، از تورم ضرر نمی بینند و کسانی که درآمد ثابت دارند

همواره در معرض امواج نامطلوب تورم هستند.

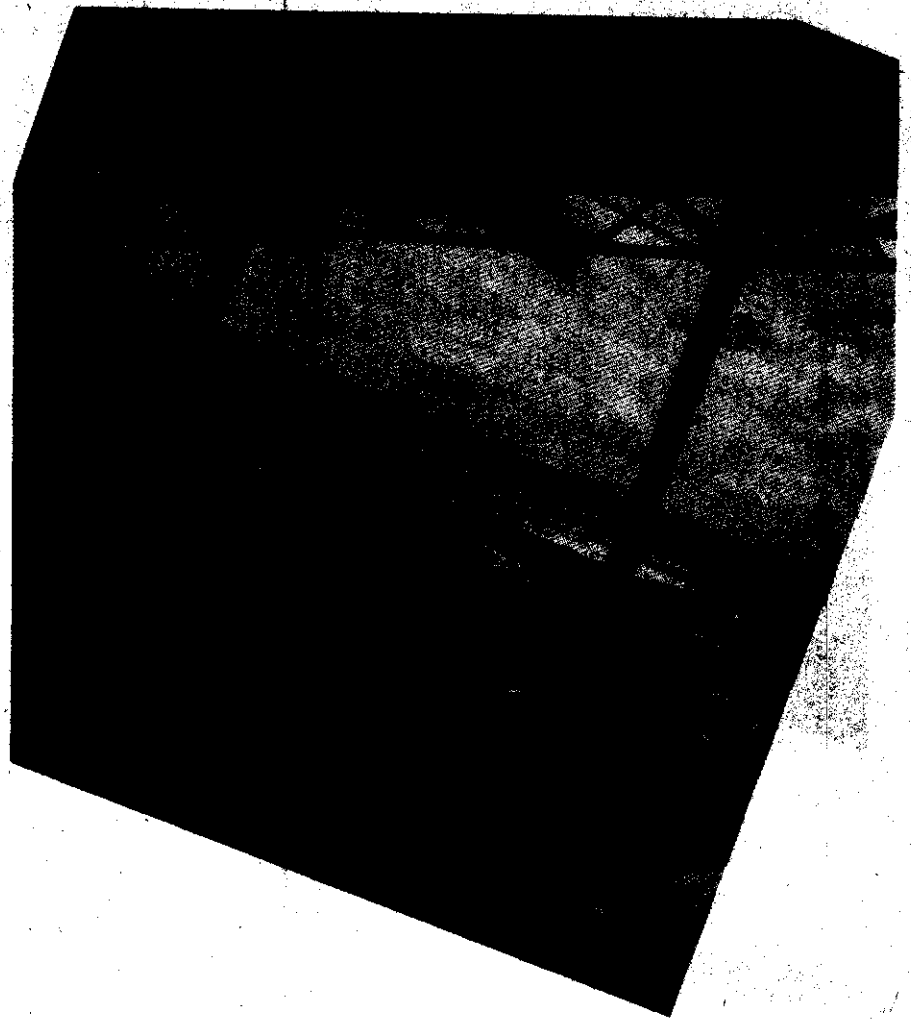
سؤال - با توجه به سوابق صنعتی و کشاورزی کشور برای دستیابی به توسعه مطلوب، بخش کشاورزی را در این زمینه مهم تر می دانید یا بخش صنعت؟

پاسخ: توسعه ای که ادعا کنیم صرفاً به کشاورزی اتکا دارد یا صرفاً به صنعت، یک توسعه مصنوعی است. در اقتصاد گفته می شود که در مراحل اولیه صنعتی شدن، بخش کشاورزی است که دایم به بخش صنعت خدمت می کند یعنی اصولاً بخش کشاورزی پشتیبان بخش صنعت است، بخش کشاورزی برای صنعت نیروی کار، غذا و ارز فراهم می کند. بنابراین، برای صنعتی شدن حتماً باید کشاورزی خوبی داشت و برعکس. توسعه صنعتی در خدمت بسیاری از مقوله های اقتصاد است، از جمله خدمت به توسعه کشاورزی. وقتی که جامعه ای پیشرفت می کند این جامعه با ابزارهای معیشتی، با خیش و گاو آهن، نمی تواند کشاورزی کند، زیرا نیاز به غذا به اندازه ای هست که باید

● نیروی متخصص به لحاظ علمی بهترین کمک را می‌تواند به توسعه کشور ارایه دهد.

● همیشه و در هر شرایطی احساس من این است که روحیه تلاش، فرهنگ کار و اندیشه حقیق دانستن کارهایی که به تولید نمی‌انجامد، همواره می‌تواند از ویژگیهای ممتاز نیروی کار باشد.

● امروزه در کشورهای صنعتی، کشاورزی هم کشاورزی صنعتی است، درحالی که کمتر از ۱۰ درصد نیروی کار در بخش کشاورزی شاغل هستند. اما به لحاظ برخورداری این کشورها از تکنولوژی و مکانیزاسیون، هر یک نفر شاغل در بخش کشاورزی، احتمالاً غذایی بیش از ۲۰ تا ۳۰ نفر را فراهم می‌کند.



دارند، می‌شود گفت که عدالت برقرار شده است. البته این که عرض می‌کنم کار خیلی سختی است و یک جامعه نمی‌تواند در عرض پانزده یا بیست سال به آن برسد. اما چنانچه احساس این باشد که جامعه به این سمت حرکت می‌کند در واقع می‌تواند قابل قبول باشد. بعنوان مثال، اگر فردی که در شهر یا روستا زندگی می‌کند به لحاظ استعداد این امکان را دارد که اگر خوب آموزش ببیند و بهداشت و تغذیه خوب داشته باشد می‌تواند متخصص برجسته‌ای در اقتصاد و یا پزشکی، خلبان برجسته و یا مجتهد برجسته‌ای شود ولی به دلایلی به این مرحله نرسد از نظر من به این فرد ظلم شده و روند جامعه عادلانه نبوده که این فرد به این صورت فراموش و این پدر آنطور که لیاقتش را داشته شکوفا نشده است، حالا ممکن است که هزار و یک دلیل داشته باشد ولی اگر بخواهم ببینیم که جامعه ما به چه صورت است، با این معیاری که عرض کردم می‌شود سنجید که استعدادهای در راستای آنچه که لیاقتش را دارد آیا شکوفا می‌شود یا خیر. مثال دیگر را که در همین ارتباط می‌شود بیان کرد این

مختصراً بیان فرمایید.

پاسخ: ویژگیهای اقتصاد انقلاب اسلامی، ویژگیهای خاصی است که بر شمردن همه آنها در توانایی من نیست و زمان بیشتری را نیر می‌طلبد. بنابراین، به بخشی از آنها بطور گزینشی اشاره می‌کنم. از نظر متون دینی، اقتصادی که به دین و از نظر ما به اسلام نسبت داده می‌شود، همانگونه که در جاهای دیگر گفته شده باید یک محور اساسی داشته باشد و آن محور عدالت است. درخصوص اینکه عدالت چیست البته مشکل تفسیر وجود دارد. آنچه که من از عدالت برداشت می‌کنم معنی لغوی آن است، می‌داند که درباره عدل می‌گویند که قرار گرفتن هر شیئی در جای خودش عدل است. بنابراین، اگر کسی که شایستگی آن را دارد که در یک تعمیرگاه کار مکانیکی انجام دهد، به وی مسئولیت کارخانه را بدهند، می‌گویند به عدل رفتار نشده است چون فرد سرجای خودش نیست. از نظر اقتصادی نیز به همین صورت است اگر در اقتصاد یک جامعه جریانی باشد که در پرتو آن جریان استعدادهای بالقوه مردم شکوفا شود، همانطور که لیاقتش را

تولید انبوه صورت گیرد. بنابراین احتیاج دارد که زمینهایش را مثلاً با تراکتور شخم بزند و یا از کمباین و هواپیمای سمپاش استفاده کند. با توجه به این عنایت می‌کنید که بخش صنعت است که مجدداً به خدمت کشاورزی درمی‌آید. امروزه در کشورهای صنعتی، کشاورزی هم کشاورزی صنعتی است، در حالی که کمتر از ۱۰ درصد نیروی کار در بخش کشاورزی شاغل هستند اما به لحاظ برخورداری این کشورها از تکنولوژی و مکانیزاسیون، هر یک نفر شاغل در بخش کشاورزی احتمالاً غذایی بیش از ۲۰ تا ۳۰ نفر را فراهم می‌کند. بنابراین، به قول یکی از رهبران سیاسی کشورها، باید با دو پا راه رفت؛ پای صنعت و پای کشاورزی، این دو لازم و ملزوم هم است. در نتیجه، انتخاب یکی و به جا گذاشتن دیگری هم تجربه نشان داده که کار درستی نیست و هم اینکه عاقلانه بنظر نمی‌آید.

سؤال - با پیروزی انقلاب اسلامی، انتظار این است که اقتصاد آینده ما ویژگیهایی داشته باشد، در صورت امکان این ویژگیها را

است که بسیاری از مردم وقتی به چشم پزشک رجوع می‌کنند که احساس می‌کنند چشمشان اشکال دارد و هیچ مرفق در گذشته به چشم پزشک مراجعه نکرده‌اند، بنابراین چنانچه فهم و یا امکاناتش می‌بود و افراد در سنین پایین‌تر به پزشک مراجعه می‌کردند، چشمان خود را از دست نمی‌دادند. جریانی که باعث می‌شود افراد تا گرفتار نشده‌اند احساس نیاز به پزشک نکنند جریان عادلانه به لحاظ اقتصادی نیست. ویژگی دوم، مسأله انگیزه است در فعالیتهای اقتصادی. در جامعه ما، کسانی احساس می‌کردند که برای رضای خدا کار کردن منزهت‌آمیز است، که زحمت بکشند، هرچند هیچ درآمدی نداشته باشند، هر چند که حالا اینطور نیست البته از فرط استیصال. اما من علاقمندم عرض کنم که یکی از ویژگیهای اقتصاد این است که آدمها به قصد

● اگر در اقتصاد یک جامعه جریانی باشد که در پرتو آن جریان استعدادهای بالقوه مردم شکوفا شود، همانطور که لیاقتش را دارند، می‌شود گفت که عدالت برقرار شده است.

● با توجه به اینکه کشوری هستیم که جمعیت نسبتاً زیادی داریم، تلاشمان باید بر این باشد که تا جایی که امکان دارد، تکنولوژیهای کاربر را وارد کنیم.

تأمین روزی، کسب درآمد، پس انداز کردن و آینده خود را ساختن، کار می‌کنند. این امر هیچ هم خلاف نیست هرچند که در دین نیز توصیه شده که انگیزه‌ها را در مردم باید تقویت کرد و نمی‌شود بگویم که اقتصاد دینی اقتصادی است که می‌گوید همیشه برای معنویات کار کن زیرا رسیدن به معنویات نیز از طریق درآمد مادی ممکن است. چطور می‌شود به کسی گفت که شما در شبانه‌روز باید پنج نوبت نماز بخوانید، بنابراین باید پاک باشید، طهارت داشته باشید، استحمام کنید ولی به خاطر فقر امکانات



بهداشتی را نداشته باشد، به خاطر همین است که می‌گویم "كَاذِبُونَ يَكْفُرُونَ" یعنی بيم آن است که فقر به کفر بیانجامد، البته همانطور که عرض کردم ویژگیهای زیادی هست و این دو نکته به نظر من محوری است که عدالت و لحاظ انگیزه می‌تواند ویژگیهای اقتصادی باشد.

**سؤال - چند سال است که در سطح بین‌المللی واژه توسعه انسانی مطرح گردیده است، لطفاً نظر خود را راجع به طرح این موضوع و تفاوت آن با آنچه قبلاً تحت عنوان توسعه مطرح بوده است، بیان فرمایید.**

پاسخ: مفهوم توسعه اقتصادی در ادبیات اقتصاد، یک مفهوم پنجاه ساله است بعد از جنگ جهانی دوم که کشورهایی در اروپای شرقی جزء بلوک سوسیالیستی بوجود آمدند و برخی از

کشورهای آسیایی و آفریقایی به استقلال رسیدند، در واقع مسأله توسعه این کشورها مطرح شد. براساس نظریاتی که وجود داشت پس از جنگ جهانی دوم تا سالهای ۷۵-۱۹۷۰، نظریه عام توسعه این بود که اگر در کشورها سرمایه فیزیکی وجود داشته باشد این کشورها می‌توانند رشد پیدا کنند و از قیبل آن به توسعه برسند. من با این بنا در واقع این دو را از هم جدا نمی‌کنم، به هر حال این تجربه اتفاق افتاد، خصوصاً اینکه دلایلی وجود داشت که این حرف را تأیید می‌کرد. آمریکاییها از طریق طرح مارشال به اروپای غربی که در جنگ دچار مشکل شده بود وام بلاعوض داد و اروپا هم از این وام استفاده کرد و خودش را توسعه داد، لذا معمولاً گفته می‌شود که اگر می‌خواهید صحت حرف را ببینید ملاحظه کنید که اروپا بوسیله سرمایه نجات پیدا

کرد. پس از سی سال، کشورهای مختلف دیدند که ممکن است به واسطه این سیاست خیلی از کشورها سرمایه‌دار شده باشند. اما برعکس، فقر خیلی بدتر و عمیق‌تر شده و یا بدحکاتر شده‌اند. در اقتصاد توسعه معروف بود که رشد و ثروت به طبقات پایین درآمد نشت کند و فقرا را نجات می‌دهد، اما اینطور نشد. بنابراین، انتظاراتی مطرح شد نسبت به سرمایه‌های که تأکید زیادی بر روی سرمایه‌های می‌تواند به خاطر اینست که خیلی از کشورهای سرمایه‌دار داشتند یا رفتند استقراض کردند بعداً خیلی بزرگ پول را بپایند می‌دادند. بعضی از کشورهای آمریکای لاتین استطور هستند، اینها گرفتار شدند لذا در تئوریا توجه به نکته دیگر مطرح شد و گفتند که حالا سرمایه فیزیکی خیلی مهم نیست، سرمایه‌ای که به توزیع درآمد عادلانه‌تری منجر نشود و فقر انسانها را نتواند از بین ببرد به چه درد می‌خورد ما باید سیاستی را در پیش بگیریم که این سیاست انسانها را هدف توسعه قرار دهد، انسانهایی که عامل توسعه هستند هدف توسعه هم باشند. لذا از سالهای دهه ۸۰ مفهوم توسعه مطرح شد، غرض از توسعه انسانی این است که باید نحوه مدیریت توسعه به گونه‌ای باشد که برای همه افراد امکان تغذیه، حتی از بچگی، وجود داشته باشد و همچنین مسأله بهداشت، رسیدگی به امور کودکان و مادران، حتی در زمانی که هنوز فرزندان خود را بدنیای نیاورده‌اند، زیرا اعتقاد بر این بود که کودکان در دوران جنینی نیز احتیاج به این دادند که مادرانشان خوب تغذیه شوند و از بهداشت خوبی برخوردار باشند تا کودک سالم بدنیای بیاید. از طرف دیگر، اینکه خود کودکان افراد سالمی باشند و از لحاظ جسمی و ذهنی مشکلی نداشته باشند. بعد هم وقتی که به سن سوادآموزی رسیدند به امر آموزش آنها توجه شود، در سن ورود به بازار کار نیز تلاش بر این باشد که آنها شغل داشته باشند و بیکار نباشند. عمده‌تاً روی این مفاهیم که عرض کردم یعنی تغذیه، آموزش، بهداشت و اشتغال تأکید شود.

### سؤال - نظرتان راجع به مسأله اشتغال در آینده کشور چیست؟

پاسخ: به این سؤال نمی‌شود پاسخ کلی داد، ولی بسا تعدادی مفروضات مسی شود پیش‌بینی‌هایی کرد. اشتغال، یعنی ایجاد شغل، از فعالیت‌هایی است که متکی است به سرمایه‌گذاری بسیار زیاد، ممکن است در بعضی فعالیتها برای اینکه یک شغل ایجاد شود، بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان لازم باشد، مثلاً کارخانه‌هایی هستند که

فرضاً ۱۰۰ میلیون تومان سرمایه‌گذاری کرده‌اند و تنها ۲۰ نفر در آن شاغلند. بنابراین، اگر بخواهیم راجع به آینده اشتغال صحبت کنیم، منطقی است که به آینده سرمایه‌گذاری در کشور توجه کنیم، خوب، سرمایه‌گذاری را چه افرادی می‌کنند؟ افرادی که در جباتکها پس‌انداز داشته باشند تا بانکها نیز بتوانند سرمایه‌گذاری کنند. پس‌انداز را چه کسانی می‌کنند؟ مردم و مردم نیز موقعی امکان پس‌انداز دارند که درآمدشان به قدری باشد که علاوه بر خرجشان مقداری را نیز بتوانند پس‌انداز کنند، یا دولت باید وارد شود. بطور کلی، با توجه به اوضاع و احوالی که در آن هستیم، به گفته مسئولین اقتصادی کشور بخاطر شرایط اقتصادی کشور و مسایلی که کشور دارد و بی‌مهری‌هایی که از خارج از کشور می‌شود، پس‌انداز خیلی بالا نیست. بنابراین، زمینه برای سرمایه‌گذاری زیاد نیست. زمینه که برای سرمایه‌گذاری زیاد نباشد، بدین معنی است که زمینه برای ایجاد اشتغال هم ممکن نباشد. مگر اینکه ما بدنیال اشتغالی برویم که خیلی سرمایه‌بر نیست و یا تکنولوژیهای کاربری. البته راه دیگر می‌تواند این باشد که کشور، سرمایه را از خارج

قرض کند. همانطور که عنایت دارید، استقراض هم مشکلاتی را ایجاد می‌کند و تبعات منفی و احتمالاً مثبتی را نیز برای کشور دارد. بنابراین، با توجه به اینکه کشوری هستیم که جمعیت نسبتاً زیادی داریم، تلاشمان باید بر این باشد که تا جایی که امکان دارد، تکنولوژیهای کاربری را وارد کنیم، یعنی به جای اینکه بسیاری از کارها را با ابزارآلات خودکار و مکانیکی انجام دهیم، بوسیله آدمها انجام دهیم تا آنها شغل داشته باشند و در همین مثال سرمایه را از دست ندهیم. ایجاد این رویه می‌تواند بیانگر این باشد که وضعیت اشتغال ما در آینده خوب خواهد بود. ولی اگر بخواهیم، دنبال این باشیم که همه کارخانه‌هایمان از آخرین تکنولوژیها برخوردار باشد، هم اوزر زیادی می‌خواهد و هم نیروی بیکار ما بیکارتر خواهد شد. لذا آینده اشتغال برمی‌گردد به اینکه سیاست دولت در مورد اینکه کدام روند را می‌خواهد انتخاب کند مشخص شود، البته احتمالاً مشخص شده ولی به طور کلی، مطلب همین است که عرض کردم.